107283 ـ اولیاء الله چه کسانی هستند و درجاتشان چیست؟

سوال

لطفاً مرا در فهم موارد زیر یاری کنید: ۱) اولیاء چه کسانی هستند؟ ۲) درجات ولایت چیست؟ ۳) آیا جایز است که اولیاء را «اصحاب الله» نامید؟

خلاصه‌ی پاسخ

اولیای خداوند همان اهل ایمان و تقوا هستند که در تمام امورشان خداوند متعال را ناظر می‌دانند، بنابراین به اوامر او پایبندند و از نواهی او دوری می‌کنند. و ولایت بر حسب ایمان و تقوای بنده متفاوت است، در نتیجه هر مؤمنی بهره‌ای از ولایت و محبت و قرب خداوند دارد. و ولایت در انحصار کسی نیست و نشانهٔ ممتازی برای طبقهٔ معینی از مردم نیست، و با وراثت یا با نشان‌ها و مدال‌ها به دست نمی‌آید. اما دربارهٔ اطلاق «اصحاب الله» بر اولیاء، ما دلیلی بر صحت این نام‌گذاری سراغ نداریم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولیاء الله چه کسانی هستند؟

اولیای خدا ـ به طور کاملاً واضح و مختصر ـ همان اهل ایمان و تقوا هستند که در تمام امورشان خداوند متعال را ناظر می‌دانند، در نتیجه به اوامر او پایبندند و از نواهی او دوری می‌کنند.

الله تعالی می‌فرماید: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [یونس: ۶۲ـ۶۴] (آگاه باشید که قطعاً بر دوستان الله نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند * کسانی که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند * در زندگی دنیا و در آخرت، مژده برای آنان است. کلمات الله را هیچ تغییری نیست؛ این همان کامیابی بزرگ است).

حافظ ابن کثیر رحمه الله در تفسیر القرآن العظیم (۴/۲۷۸) می‌گوید:

«خداوند متعال بیان می‌دارد که اولیای او همان کسانی هستند که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند. این همان تفسیر [و

تعریفی] است که پروردگارشان از آنان ارائه داده است. معنای اینکه «نه بیمی بر آنان است»، آن است که از هول و هراس‌های روز قیامت که در پیش دارند، نمی‌ترسند؛ و معنای اینکه «و نه آنان اندوهگین می‌شوند»، آن است که بر آنچه در دنیا پشت سر گذاشته‌اند، غمی ندارند.

و عبدالله بن مسعود و ابن عباس و دیگران از سلف گفته‌اند: اولیای خدا کسانی هستند که هرگاه دیده شوند، یاد خدا [در دل‌ها زنده] می‌شود.

این مطلب در حدیثی مرفوع نیز وارد شده است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «همانا در میان بندگان الله، بندگانی هستند که انبیا و شهدا به حالشان غبطه می‌خورند». گفته شد: آنان کیستند ای رسول خدا؟ شاید ما آنان را دوست بداریم. فرمودند: «آنان گروهی هستند که بدون [انتظار] اموال و [بدون توجه به] نسب، برای خدا یکدیگر را دوست داشته‌اند، چهره‌هایشان نور است بر منبرهایی از نور؛ هرگاه مردم بترسند، آنان نمی‌ترسند، و هرگاه مردم اندوهگین شوند، آنان اندوهگین نمی‌شوند». سپس این آیه را خواندند: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ». به روایت ابوداود با اسناد جید و آلبانی در «السلسلة الصحيحة» (۷/۱۳۶۹) آن را صحیح دانسته است». نقل با اختصار و کمی تصرف.

درجات اولیاء الله

ولایت بر حسب ایمان و تقوای بنده متفاوت است؛ بنابراین هر مؤمنی بهره و نصیبی از ولایت و محبت و قرب خداوند دارد، اما این نصیب بر حسب اعمال صالحهٔ بدنی و قلبی که با آن به خدا تقرب می‌جوید، تفاوت می‌کند. بر این اساس می‌توان درجات ولایت را به سه درجه تقسیم کرد:

۱. درجهٔ ستمکار بر خویش: که همان مؤمن گناهکار است، پس او به اندازهٔ ایمان و اعمال صالحه‌اش از ولایت بهره‌مند است.

۲. درجهٔ میانه‌رو: او مؤمنی است که بر اوامر خداوند محافظت می‌کند و از معاصی او دوری می‌جوید، اما در ادای نوافل (مستحبات) تلاش نمی‌کند. این شخص در ولایت، درجه‌ای بالاتر از قبلی دارد.

۳. درجهٔ پیشی‌گیرنده در نیکی‌ها: او کسی است که همراه با فرایض، نوافل را نیز به جای می‌آورد و با عبادات قلبی به درجات والایی نزد الله عزوجل می‌رسد. پس این شخص در درجات عالی ولایت است.

سپس شکی نیست که نبوت، بالاترین و برترین درجهٔ ولایت برای الله عزوجل است. شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ چنانکه در مجموع الفتاوی (۱۰/۶) آمده ـ می‌گوید:

«مردم بر سه درجه‌اند: ستمکار بر خویش، و میانه‌رو، و پیشی‌گیرنده در نیکی‌ها.

ستمکار بر خویش، گناهکاری است که با ترک مأموری یا انجام ممنوعی، نافرمانی کرده است.

و میانه‌رو، کسی است که واجبات را ادا می‌کند و محرمات را ترک می‌کند.

و پیشی‌گیرنده در نیکی‌ها، کسی است که با انجام هر آنچه از واجب و مستحب که قادر است [به پروردگار] تقرب می‌جوید و حرام و مکروه را ترک می‌کند.

البته ممکن است هر یک از این دو گروه (میانه‌روها و پیشی‌گیرندگان) نیز گناهانی داشته باشند، اما این گناهان به شیوه‌های مختلفی پاک می‌شوند؛ گاهی با توبه ـ و خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد ـ گاهی با انجام حسناتی که گناهان را محو می‌کند، گاهی با مصیبت‌هایی که کفارهٔ گناهان است و گاهی با وسایل دیگر. در هر صورت، هر دو گروهِ میانه‌روها و پیشی‌گیرندگان، از اولیای خدا به شمار می‌روند؛ همان کسانی که خداوند در کتابش آنان را با این سخن توصیف کرده است:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (آگاه باشید که قطعاً بر دوستان الله نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند * کسانی که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند) در نتیجه، مرز [ولایت] و تعریف اولیای الهی، همان ایمان و تقواست.

البته این ولایت خود به دو مرتبه تقسیم می‌شود: مرتبهٔ «عام» که شامل مؤمنانِ میانه‌رو است، و مرتبهٔ «خاص» که به پیشی‌گیرندگان در نیکی‌ها اختصاص دارد؛ هرچند بالاترین درجاتِ این گروهِ خاص، به انبیا و صدیقان تعلق دارد.

و پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ این دو نوع را در حدیثی که بخاری در صحیحش از ابی‌هریره رضی الله عنه از پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ روایت کرده، ذکر کرده است که فرمودند: «الله می‌فرماید: هر کس با ولیّ من دشمنی کند، با من اعلام جنگ کرده است، و بندهٔ من با چیزی محبوب‌تر از ادای آنچه بر او واجب کرده‌ام، به من نزدیک نمی‌شود، و بندهٔ من پیوسته با نوافل به من نزدیک می‌شود تا آنکه او را دوست بدارم، و چون دوستش بدارم، شنوایی او می‌شوم که با آن می‌شنود، و بینایی او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دست او می‌شوم که با آن می گیرد، و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود، پس به واسطهٔ من می‌شنود و به واسطهٔ من می‌بیند و به واسطهٔ من ضربه می‌زند و به واسطهٔ من راه می‌رود؛ و اگر از من چیزی بخواهد، حتماً به او عطا می‌کنم، و اگر به من پناه جوید، حتماً پناهش می‌دهم، و من در هیچ کاری که انجام‌دهندهٔ آن هستم، تردید نکرده‌ام، مانند تردیدم در گرفتن جان بندهٔ مؤمنم، که او مرگ را ناخوشایند می‌دارد و من ناراحتی او را ناخوشایند می‌دارم، و او را از آن گریزی نیست».

اما مؤمنِ ستمکار بر خویش (یعنی گناهکار)، به اندازهٔ ایمان و تقوایی که دارد از ولایت الهی بهره‌مند است و به همان نسبت

که مرتکب گناه می‌شود، از ضد آن [یعنی دوری از خدا] نصیب می‌برد. دلیل این امر آن است که در یک شخص واحد، ممکن است هم اعمالِ ثواب‌آور و هم اعمالِ موجب عِقاب و مجازات یکجا شوند. در نتیجه، چنین فردی ممکن است برای اعمال نیکش پاداش دریافت کند و برای گناهانش مجازات شود. این دیدگاه تمام اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم، امامان اسلام و اهل سنت و جماعت است که معتقدند: «کسی که به اندازۀ ذره‌ای ایمان در قلبش باشد، در آتش جاودانه نخواهد ماند».

و شیخ ابن عثیمین ـ چنانکه در فتاوی مهمة (۸۳) آمده ـ می‌گوید:

«هر کس مؤمن و با تقوا باشد، ولیّ خداست، و هر کس چنین نباشد، ولیّ خدا نیست، و اگر مقداری ایمان و تقوا داشته باشد، مقداری از ولایت در او وجود دارد».

آیا ولایت در انحصار کسی است؟

ولایت در انحصار کسی نیست ، و نشانۀ ممتازی برای طبقۀ معینی از مردم نیست، و با وراثت یا با نشان‌ها و مدال‌ها به دست نمی‌آید، بلکه آن مرتبه‌ای الهی است که با محبت و بزرگداشت الله عزوجل در دل آغاز می‌شود و به واقعیت عملی ترجمه می‌شود، و صاحبش با آن، محبت و ولایت الله تعالی را کسب می‌کند.

آیا ولایت انجام محرمات و ترک واجبات را برای صاحبش مباح می‌کند؟

مقام ولایت، مجوزی برای انجام محرمات یا ترک واجبات نیست. در حقیقت، اگر کسی مرتکب چنین اعمالی شود، این خود دلیلی بر نقصِ ولایت و دوری او از خداست. همچنین، ولایت به هیچ‌کس این اجازه را نمی‌دهد که به افرادی که «اولیاء» نامیده می‌شوند ـ در حالی که چه بسا شایستگی این نام را نداشته باشند ـ روی آورد و آنان را تا مقامی نزدیک به نبوت بالا ببرد، تا جایی که هرگز سخنشان را رد نکند و هیچ فکر و نظری از آنان را به چالش نکشد. تمام این کارها، مصداق بارز «غلو» و زیاده‌روی است که خداوند متعال از آن نهی کرده و از بزرگترین اسباب افتادن مردم در ورطۀ شرک به شمار می‌رود.

برخی پا را از این نیز فراتر گذاشته و به دلیل درک نادرست از «ولایت» و جایگاه «اولیاء»، مرتکب شرک اکبر می‌شوند. اینان کسانی هستند که اولیاء را به جای خدا می‌خوانند، برایشان حیوانات را ذبح کرده و قربانی تقدیم می‌کنند و بر گِرد مزارها و ضریح‌هایشان طواف می‌کنند.

آیا گفتن لفظ «اصحاب الله» برای اولیاء جایز است؟

اما دربارۀ اطلاق «اصحاب الله» بر اولیاء، ما دلیلی بر صحت این نامگذاری سراغ نداریم. برترین اولیای الله تعالی، رسولان و انبیا، سپس اصحاب پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم، سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند، و سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند، هستند، و ما نمی‌دانیم که اطلاق نام «اصحاب الله» بر هیچیک از آنان وارد شده باشد.

بلکه از رسول ـ صلی الله علیه وسلم ـ نامگذاری «اهل قرآن» به «اهل الله» ثابت شده است. امام احمد (۱۱۸۷۰) و ابن ماجه (۲۱۵) روایت کرده‌اند که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «همانا برای خداوند اهل‌هایی از میان مردم است». گفتند: ای رسول خدا، آنان کیستند؟ فرمودند: «آنان اهل قرآن، اهل الله و خاصان او هستند». و آلبانی در صحیح ابن ماجه آن را صحیح دانسته است.

«أهلین» جمع أهل است.

«اهل القرآن» حافظان و قاریان آن که به آنچه در آن است عمل می‌کنند.

«اهل الله» یعنی اولیای او که به او اختصاص دارند، همانند اختصاص اهل یک انسان (خانوادۀ او) به او.

والله أعلم.